

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و دوم

تابستان ۱۳۹۹

کارکرد مسأله‌گی و تواتر انعکاسی در الهیات تاریخی^۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۹

محمدحسن احمدی^۲

اگر فقه الروایة، مانند فقه الحدیث در دانش فقه در شمار دانش‌های تحلیل گزارش‌های تاریخی قرار گیرد، می‌توان از آن به عنوان یکی از مبانی تاریخ تحلیلی نام برد. از سوی دیگر، تحلیل گزارش‌های تاریخی معطوف به الهیات تاریخی هنوز روش مند نشده است. این مقاله بر پایه توجه به مقوله روش در حوزه الهیات تاریخی و با تأکید بر گزارش‌های ناظر به تاریخ‌های مضاف چون تاریخ قرآن، تاریخ حدیث و تاریخ تفسیر می‌کوشد روش نویی از تحلیل تاریخی را با عنوان روش تحلیل انعکاسی پیشنهاد دهد.

در این روش که مبتنی بر انعکاس گزارش تاریخی در فضای بیرونی است، تأسیس اصل مسأله‌گی به معنای میزان عدم نفوذ و حل ناشدگی مقام بیان گزارش در فرامقام بیان آن و اصل تواتر انعکاسی به عنوان نقطه مقابل مسأله‌گی، بستر دقیق‌تری را برای تحلیل گزارش‌های تاریخی فراهم می‌آورد. اجرای این دو

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی شماره ۲۸۷۲۷/۱/۰۳ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران: (ahmadi_mh@ut.ac.ir).

اصل، ضمن آن که مانع تفسیرهای نادرست و مغالطه در تحلیل تاریخی است به قوت استدلال تاریخی کمک می‌نماید.

کلیدواژگان: تحلیل انعکاسی، مسأله‌گی، تواتر انعکاسی، الهیات تاریخی، تاریخ اسلام.

۱. مقدمه

مقدمه را در سه قسمت تبیین مسأله، رویکرد و روش تحقیق، پیشینه پژوهش و تفاوت آن با آثار مشابه بررسی می‌کنیم.

۱-۱. تبیین مسأله پژوهش

الهیات تاریخی ناظر به رابطه تاریخی ادیان با متون دینی و مسأله وثاقت تاریخی این متون، یکی از حوزه‌های مهم تاریخ است. الهیات تاریخی چندان با این نام در فضای مطالعات اسلامی شناخته شده نیست. دانش‌هایی چون تاریخ قرآن، تاریخ حدیث و تاریخ تفسیر را می‌توان نمونه‌هایی از مصادیق الهیات تاریخی در حوزه مطالعات بومی اسلامی دانست. برچسب الهیات برای این نوع تاریخ‌های مضاف سبب شده است کمتر به سنخ تاریخی بودن این دانش‌ها توجه شود.

در واقع در یک طبقه‌بندی واقع بینانه، تاریخ قرآن، حدیث و تفسیر قرآن بیشتر از آن که با الهیات پیوند خورده باشند با تاریخ پیوند خورده‌اند. شکل‌گیری این دانش‌ها در سده معاصر از سوی خاورشناسان و آن هم با رویکردی تاریخی و نه فقط دینی بوده است. شاید بخشی از فرسایشی شدن نوع نقد و بررسی‌های صورت گرفته نسبت به آرای خاورشناسان در این حوزه را بتوان معلول جایابی نادرست این دانش‌ها در طبقه‌بندی علوم اسلامی بومی دانست.

می‌توان سه گونه استدلال به گزارش تاریخی را در نظر گرفت. ۱. فقط نقل گزارش و استناد به آن، ۲. نقل گزارش به همراه تقریر استدلال و ۳. نقل گزارش و تحلیل استدلال بر پایه آن. با نگاهی به استدلال‌های ناظر به حوزه الهیات تاریخی، می‌توان ادعا کرد که

بیشتر این استدلال‌ها از گونه اول، فراتر نمی‌روند و حتی به مرحله تقریر استدلال هم نمی‌رسند. باید توجه داشت که فقط نقل یک گزارش و حتی انبوهی از گزارش‌ها برای اثبات کافی نیست و نمی‌توان گزارش را بدون اندک تقریری و به بهانه بداهت آن، پشتوانه استدلال قرار داد.

از این رو است که به عنوان نمونه، علامه عسکری (د. ۱۳۸۶) در نقد استدلال مبتنی بر استناد به انبوهی از گزارش‌ها برای اثبات یک مسأله الهیات تاریخی^۱ از این ضرب المثل استفاده می‌کند که کوه را درد زایمان گرفت و وانگهی از آن موشی متولد شد.^۲ در واقع، اگر وجه استدلال به یک گزارش روشن نشود در پی آمدن انبوهی از گزارش‌ها، استدلال را به سامان نمی‌رساند.

از اولویت لزوم تقریر استدلال که بگذریم، نوبت به لزوم روش‌مندی استدلال می‌رسد. روش استدلال در حوزه الهیات تاریخی اسلامی، قابل توجه است. آنچه در این مقاله مورد تأکید است، ناظر به همین بعد روشی در حوزه الهیات تاریخی است. عناوین تحلیل انعکاسی، مسأله‌گی و تواتر انعکاسی که در این مقاله درباره آنها بحث می‌شود، طرح‌ریزی جدیدی برای ارائه استدلال‌های تاریخی هستند که به عنوان نمونه، کارکرد این نظریه جدید در تحلیل گزارش‌های وقایع تاریخ اسلام و به صورت موردی ناظر به الهیات تاریخی در تاریخ قرآن، حدیث و تفسیر است.

۱-۲. روش تحقیق

سنخ پژوهش حاضر از نوع روش پژوهی است. روش تحلیل تاریخی مورد توجه در این مقاله می‌تواند به عنوان بخشی از مباحث روش‌های تحقیق در دین پژوهی محسوب شود. از سویی دیگر می‌تواند در گروه مباحث فلسفه علم، منطق و دلالت پژوهی قرار گیرد، اما

۱. استناد به هزار روایت در اثبات تحریف قرآن.

۲. عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۳۷۹.

به هر تقدیر از سنخ معرفت‌های درجه دو است. مبنای روشی این روش پژوهی، نوعی نگرش به گزاره‌های تاریخی نه فقط به عنوان یک متن یا گزارش، بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و موجودی دارای حیات اجتماعی است.

باید بپذیریم که گزاره تاریخی دارای حیات تاریخی اجتماعی است و افت و خیز و اوج و فرود آن می‌تواند در قالب نموداری درجه دو و سه ترسیم شود. از این جهت، رویکرد این مقاله ظرفیت آن را دارد که رویکردی نو در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی با محوریت متن ارائه کند. نتیجه این روش پژوهی سبب تولید روشی نو در حوزه علم تاریخ و تحلیل گزاره‌های دینی از جمله گزاره‌های تاریخی است.

مقاله حاضر و موضوع تحلیل گزارش‌های وقایع تاریخی، نمونه‌ای برای تبیین فرضیه مورد توجه این مقاله است. بی‌شک مقاله به این موضوع خاص و حتی به حوزه کلی تاریخ محدود نخواهد شد، اما نتیجه روشن این رویکرد در تاریخ آن است که اگر زبان‌شناسی تاریخی از نگاه برخی، فن‌گشتی گرفتن با متن تفسیر شده است، از نگاه این مقاله، زبان‌شناسی تاریخی از سنخ هنر است. هنر و مهارت رویارویی با متن. شاید مهارت حفاری برای کشف و استخراج عتیقه‌ها و دفینه‌های تاریخی بتواند تشبیه‌رسانی برای این نوع از هنر باشد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

حوزه پژوهش حاضر از دو جهت قابل‌تجدید است. اول از جهت غرض اصلی مقاله که یک مقوله روشی است و دوم از جهت موضوع خاص آن؛ یعنی موضوع الهیات تاریخی.

از جهت نخست باید گفت که توجه به دلالت‌های فرامتن در کنار توجه به هرمنوتیک و فهم معنای متن، یکی از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی است. هرمنوتیک کلاسیک

اشلایرماخر (د.۱۸۳۴م.)^۱، نشانه‌شناسی سوسور (د.۱۹۱۳م.)^۲، هرمنوتیک امیلیو بتی (د.۱۹۶۸م.)^۳، هرمنوتیک فلسفی هایدگر (د.۱۹۷۶م.)^۴ و گادامر (د.۲۰۰۲م.)^۵ و نظریه مؤلف‌محور اریک هرش^۶، نظریه دریافت (Reception theory) هانس روبرت جاس (د.۱۹۹۷م.)^۷، هرمنوتیک ادبی پل ریکوور (د.۲۰۰۵م.)^۸، بازنمایی (Representation) استوارت هال^۹ و زبان‌شناسی تاریخی پولوک^{۱۰} را می‌توان نمونه‌هایی برای ورود به بحث زبان‌شناسی متن دانست.

آنچه در این مقاله مطرح می‌شود، زاویه‌ای بدیع و خاص از زبان‌شناسی متن و مبتنی بر تحلیل انعکاس متن در فضای صدور و نقل است. تأکید بر این زاویه خاص، برای زدودن یک سوء تفاهم اولیه برای مخاطب است؛ زیرا مخاطب این نوع مباحث، به طور ذاتی و به دنبال پیش زمینه‌هایی که از بیشتر مباحث هرمنوتیک‌دانان و زبان‌شناسان و حتی پژوهش‌گران سنتی پیدا کرده است در انتظار است که در این مقاله از لزوم واکاوی قرائن صدور به عنوان پیش شرط فهم معنای متن و از قاعده‌ای در این فضا سخن گوئیم.

1. Schleiermacher.
2. Ferdinand de Saussure.
3. Emilio Betti.
4. Martin Heidegger.
5. Hans-Georg Gadamer.
6. Eric Hirsch.
7. Hans Robert Jauss.
8. Paul Ricoeur.
9. Stuart Hall.
10. Sheldon Pollock.

حال آن‌که در این مقاله درصدد تبیین چنین مقامی نیستیم. از نگاه این مقاله، انعکاس متن در فضای صدور و حتی انعکاس آن در فضای نقل در تحلیل متن اهمیتی ویژه دارد.^۱ از جهت دوم؛ یعنی موضوع خاص و موردی این مقاله؛ یعنی الهیات تاریخی^۲ باید به نیاز جدی و فوری این حوزه از علم تاریخ - نه از روی ضرورت الهیات - توجه کرد. ضرورت توجه به مقوله روش، اگر در سایر حوزه‌های علوم تاریخی مورد توجه باشد با تأکید بیشتری باید از این ضرورت در الهیات تاریخی اسلامی سخن گفت. الهیات تاریخی که به تبیین رابطه ادیان با متون دینی و مسأله وثاقت این متون می‌پردازد، متکی بر استناد به گزارش‌های تاریخی است. این استدلال تاریخی که بخش قابل توجهی از آن، تحت تأثیر اندیشه‌های خاورپژوهان قرار گرفته است، موضوع اصلی این مقاله است. از این جهت می‌توان ادعا کرد، الهیات تاریخی اسلامی، بیشتر از آن که بومی باشد، تولد یافته در مهد خاورشناسی است و بیشتر پژوهش‌های بومی خواسته یا ناخواسته در همان فضا انجام شده‌اند. انبوهی از پژوهش‌هایی که در نقد آثار غربیان در این حوزه به نگارش در می‌آیند از این جهت آسیب‌پذیر هستند که به روش‌مندی الهیات تاریخی بی‌توجه هستند. بنابراین، مقاله حاضر و نظریه مبتنی بر آن، به عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکل روش استدلال در حوزه الهیات تاریخی ارائه می‌شود.

۲. تحلیل انعکاسی

همان‌گونه که انداختن یک سنگ در چاه آب به تشخیص عمق چاه و میزان آب آن کمک می‌کند در کنار رویکرد غالب می‌توان به وجهی از گزارش تاریخی توجه کرد که متأثر از

۱. نظریه مسأله‌گی برای نخستین بار توسط نویسنده این مقاله در پیش‌اجلاس کرسی‌های نظریه‌پردازی هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی در دانشگاه تهران در تاریخ ۹۷/۱۲/۱۵ برگزار گردید.

نوع انعکاس آن واقعه در فضای متن^۱ است. بنابراین، گزارش تاریخی هم حکایت‌گر واقعه است و هم حکایت‌گر نوع انعکاس واقعه. محدوده دلالت‌های فرامقام بیانی، فضایی را به نام فضای انعکاسی ایجاد می‌کند و از تحلیلی که در این فضا صورت می‌گیرد با عنوان تحلیل انعکاسی^۲ یاد می‌کنیم. فضای انعکاسی، آن مجموعه از دلالت‌های کلام است که در ارتباط با انعکاس کلام در خارج و در نتیجه تحلیل فرامقام بیان خبر در طول زمان^۳، مفهوم می‌یابد.

در اهمیت نوع انعکاس متن در ذهن مخاطب از این تشبیه استفاده می‌کنیم که راننده‌ای را تصور کنید که هنگام رانندگی، مراقب است با عابر برخورد نکند. آنچه موجب اطمینان راننده برای عبور و عدم برخورد با عابر می‌شود، نگاه عابر است. نگاه عابر در واقع انعکاسی از تصادم یا عدم تصادم اتومبیل با عابر و ملاکی برای حرکت راننده است. به همان اندازه که متن و زمینه آن در فهم تأثیر دارد، نوع انعکاس متن در فضای صدور و نقل (شیوع) و نوع واکنش مخاطب به آن می‌تواند در فهم متن، نقش ایفا کند.

برداشت مخاطب امروزی از متن متعلق به سده‌های پیشین تا چه حد می‌تواند بدون توجه به برداشت مخاطبان معاصر خود متن و پس از آن و یا مستقل از آن (تفسیرگریز) باشد؟ جایگاه نظر مفسران گذشته از صحابه و تابعان تا مفسران قرون مختلف در درک متن چگونه است و تا چه حد برای متأخران، اعتبار دارد؟ اهمیت مخاطب در فهم متن در ادبیات روایی با عنوان روایات من خوطب^۴ مغفول نمانده است. یکی از خاورشناسان در این باره می‌نویسد:

۱. مراد از فضای متن (Text Space) در این مقاله، ناظر به فضای بیرونی متن است که متن در آن صادر یا نقل شده است.

2. Reflection-based Analysis

۳. بررسی تاریخی در زمانی (Diachronic) در مقابل بررسی هم‌زمانی (Synchronic).

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۱۱.

بی‌پرده بگویم محقق امروزی هرگز عرب قرن هفتم میلادی نخواهد شد. بلکه

مورخ یا زبان‌شناس قرن بیستم باقی خواهد ماند.^۱

نوع رابطه‌ای که متن با مخاطب ایجاد می‌کند، چه در زمان تولید متن و چه در زمان تفسیر آن، اهمیت فراوانی در فهم متن دارد. متن هم‌چون موجودی زنده دارای کنش با محیط اطراف خود است. یکی از خاورشناسان درباره اهمیت تفسیر قرآن از این منظر می‌نویسد:

در آثار تفسیری شواهدی از کنش خواننده به متن (قرآن) در اختیار ما است و

به طور دقیق در همین مفهوم ممکن است پاسخی قرار داشته باشد. موضوعی که

در میان منتقدان ادبی بسیار رواج یافته آن است که بدون خواننده‌ای که به متن

واکنش نشان دهد و با آن تعامل کند، هیچ متنی به معنی واقعی کلمه وجود

ندارد..... به نظر می‌رسد که تدوین تاریخ واکنش به متن قرآن در چارچوب

تلقی واقعی مردم از معنای متن، از طریق تحلیل متون تفسیری، یکی از مناسب

ترین، متقاعد کننده‌ترین و ثمربخش‌ترین کارهای قرآن‌پژوه دوره جدید است.^۲

از این جهت است که در فقه برای شهرت، حساب ویژه‌ای باز شده است. به گونه‌ای که از سوی، شهرت روایت در صورت اعراض فقها از آن، موهن^۳ خواهد بود و از سوی دیگر، عمل فقهای متقدم به یک روایت و فتوا بر اساس آن، جابر است.^۴ بالاتر آن که

۱. ریپین، رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. شهرت اعم از شهرت روایی (نقل روایت به وسیله راویان متعدد در مقابل شاذ) یا شهرت عملی (مشهور بودن عمل به روایتی نزد فقها و استناد به آن در مقام فتوا) یا شهرت فتوایی (مشهور بودن رأی و نظری نزد فقها بدون آن که مستند به روایتی باشد). از اسباب اعتبار روایت شمرده می‌شود و این شهرت، جبران کننده (جابر) ضعف سند روایت و بی توجهی و اعراض از آن، از اسباب ضعف (موهن) روایت دانسته می‌شود (عراقی، نه‌ایة الافکار، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰).

۴. سبحانی، الموجز، ج ۲، ص ۲۷۲ (مقبوله عمرین حنظله: ینظر الي ما کان من روايتهما عنافي ذلك الذي حکما به، المجمع علیه عند أصحابک فیوخذ به من حکمنا و یترک الشاذ الذي لیس بمشهور).

اشتهار فتوا در مسأله ای که فاقد روایت است، مورد اعتبار واقع شده است^۱ با این استدلال که این شهرت، حکایت از وجود یک روایت معتبر می‌کند که به دست ما نرسیده است. در این خصوص نقل می‌شود:

در فقه امامیه، حدود چهارصد مسأله وجود دارد که فقهای امامیه متقدم و متأخر، آنها را تلقی به قبول کرده‌اند و هیچ دلیلی برای این قبول، جز وجود شهرت فتوایی در بین متقدمان نیست و چنانچه شهرت را از دلایل حذف کنیم، این مسائل به فتاوایی بدون دلیل تبدیل خواهند شد.^۲

هم‌چنین، خاستگاه بحث حجیت ظواهر در مباحث اصولی را می‌توان مبتنی بر لزوم توجه به درک مخاطب به خصوص مخاطب اولیه در فهم متن دانست. بر این اساس، دیدگاه عدم حجیت ظواهر کتاب، منسوب به اخباریان در فضای نوعی رعایت احتیاط در جهت اعتبار بخشی به فهم مخاطبان اولیه، قابلیت واکاوی دارد.^۳

۱. دو نکته در این مورد دارای اهمیت است. اول این‌که فضای بحث، اثبات حجیت شهرت فتوایی به عنوان یک ظن خاص است نه مطلق حجیت حتی از طریق دلیل انسداد. دوم این‌که با توجه به تأملات جدی شیخ انصاری نسبت به دلایل قائلان به حجیت شهرت فتوایی و برخی از عبارات وی، می‌توان برداشت کرد که محل نزاع، ناظر به شهرت در میان متأخران است. از جمله این عبارت شیخ که می‌گوید: بأمكن انعقاد الشهرة في عصر علي فتوي و في عصر آخر علي فتوي و في عصر آخر علي خلافها كما يتفق بين القدماء و المتأخرين، فتدبر (انصاری، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۲۳۵).

۲. همان، ص ۲۷۳.

۳. بر اساس این واکاوی، تکلیف نزاع اخباریان و اصولیان در بحث حجیت ظواهر را نباید فارغ از این خاستگاه اصلی و با استناد به دلایلی مانند هیچ‌گاه در رابطه بین پزشک و بیمار یا فروشنده و خریدار، سخنان طرفین به بهانه عدم حجیت کنار نهاده نمی‌شود، یا این‌که مگر ممکن است قرآن معجزه باشد ولی نتوان به ظاهرش احتجاج کرد، بررسی کرد. در واقع، به نظر می‌رسد این‌گونه پاسخ‌ها، نوعی دور شدن از مسئله اصلی و پاسخ به اتهامی است که شاید اخباریان از آن میرا باشند.

این که برای مثال، متنی مانند قرآن کریم، مورد توصیه *فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ*^۱ قرار می‌گیرد در شناساندن این رابطه تأثیرگذار است. از این رو است که این رابطه، نوع تحلیل تاریخی این متن را متفاوت از سایر متون گردانیده است. به عنوان نمونه در این باره گفته می‌شود:

اطلاع از صحت نقل قرآن مانند اطلاع از شهرهای مهم و حوادث بزرگ

است ... و انگیزه و توجه به نقل آن، اهمیت ویژه پیدا می‌کند.^۲

این رابطه در هریک از دو قالب کنشی و واکنشی قابل تفسیر است. برای مثال در کنار تفسیر واکنشی از متن قرآن که بیشتر مورد توجه خاورشناسان است، تحلیل کنشی قرآن مانند تأثیر قرآن در اهمیت یافتن حدیث، رونق و پیشرفت خط و نگارش، فرهنگ و یا شکل‌گیری سیره و تاریخ، قابل توجه است.

نمی‌توان از نوع انعکاس متن در مخاطبان پیشین، صرف‌نظر کرد. بسیاری از ارزش‌گذاری‌های رایج از طریق تحلیل انعکاسی صورت می‌گیرد. مشاهده نوع حالت چهره مخاطب و دگرگونی آن، ابزاری جهت تحلیل محتوای متنی است که به وسیله یک سخنران ارائه می‌شود. از طریق انعکاس متن در فضای بیرونی متن، معنای متن قابل دست‌یابی است. یکی از ملاک‌های ارزیابی کیفی متون، نوع انعکاس آنها در میان مخاطبان است.^۳

۱. مزمل: ۲۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵.

۳. امروز برای ارزیابی کیفی مقالات، میزان استناد به مقاله بررسی می‌شود. ارجاع یا Citation، عامل ارزیابی است که بر اساس آن، شاخص H-Index هر مقاله یا دانشگاه یا کشور معین می‌شود. این ارزیابی در واقع مبتنی بر انعکاس متن است. این شاخص، شاخصی عددی است که می‌کوشد بهره‌وری و تأثیرگذاری علمی دانشمندان را به صورت کمی نمایش دهد. این شاخص با در نظر گرفتن تعداد مقالات پراستناد افراد و تعداد دفعات استناد شدن آن مقالات به وسیله دیگران محاسبه می‌شود.

بررسی متن از طریق توضیح‌هایی^۱ که امروزه پیوست متن در فضاهای مجازی می‌شود، نوعی تحلیل در فضای انعکاسی است. تقریر معصوم یک نوع از تحلیل انعکاسی است. بسیاری از معارف دینی، محصول تحلیل انعکاسی است. چنانچه عدم ردع شارع به عنوان اصلی فقهی، تأیید کننده بخش مهمی از عرفیات و اخلاقیات اجتماعی است.^۲

در یک نمونه تاریخ حدیثی می‌توان به انعکاس گزارش‌های مورد استناد برای اثبات پدیده منع تدوین حدیث اشاره کرد؛ چراکه کسانی که پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ از کتابت حدیث جلوگیری کردند در هیچ روایتی، کار خود را مستند به فرمان حضرت نکردند و اگر روایات نهی از کتابت، ناسخ روایات اجازه بود باید عاملان نهی از کتابت به آن استناد می‌کردند.^۳

مسأله عدالت صحابه را می‌توان به عنوان نمونه‌ای دیگر شاهد آورد. به این صورت که اگر مسأله عدالت صحابه در زمان پیامبر ﷺ و صحابه وجود داشت، نقل می‌شد و در برخورد‌های بین صحابه آشکار می‌گردید. در صورتی که هیچ گونه اثری از این برداشت در آن دوره یا هیچ سخنی از استناد به نظریه عدالت صحابه مشاهده نمی‌شود. ایجاد ارتباط میان نظریه عدالت صحابه و آیات و روایات مورد ادعا، زمانی می‌تواند مفید باشد که این ارتباط در آن دوره ایجاد شده باشد. بنابراین، ریشه پیدایش نظریه عدالت صحابه را در

1. Comment.

۲. در فقه به خصوص ابواب معاملات به سیره عقلا، زیاد استدلال می‌شود. اگر سیره عقلا که شارع از جمله آنها است به امری تعلق گیرد، این سیره، آماره‌ای بر موافقت شارع با سیره است. مگر آن که ردعی از ناحیه شارع احراز شود. بنابراین، عدم ثبوت ردع کافی است و نیازی به امضای مستقل شارع نیست (لجنه الفقه المعاصر، الفائق فی الاصول، ص ۹، ۲۷).

۳. معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۶۲.

نگاهی خوش‌بینانه باید در ارتباط با شکل‌گیری مذاهب و تعدد فتاوی فقهی^۱ یا اختلافات کلامی بین معتزله و اهل حدیث تحلیل کرد.

در نمونه‌ای دیگر، مستند کردن فرضیه توقیفی بودن تفسیر قرآن به وجود برخی گزارش‌های ناظر به استتکاف خلفا در مورد آیات قرآن، بدون توجه به تطابق این برداشت از گزارش‌ها با برداشت مخاطبان مستقیم این جمله با تأمل روبه‌رو است. چنانچه عقیده‌ای بر آن است که این گزارش‌ها بر عدم قول بغیر علم و تفسیر به رأی حمل شود. برخی در فقه، روی برداشت اصحاب متقدم تأکید می‌کردند و با فتوای علمای قدیم هم‌چون شیخ مفید (د. ۴۱۳ق)، شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) و شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق)، مانند روایات معامله می‌کردند و به راحتی حاضر نبوده‌اند از فتوای ایشان عدول کنند.^۲

فضای انعکاسی در کنار حدیث، تاریخ نوشته، منابع تاریخی، نمادها و آثار باستانی یکی از راه‌های رسیدن به سنت واقعه محسوب می‌شود. فضای انعکاسی در مقابل فضای صدور می‌گیرد که ناظر به دلالت‌های مقام بیانی است. به این ترتیب، فضای صدور و انعکاسی، مبنای شکل‌گیری سطح اول و دوم استدلال هستند. استدلالی که در فضای انعکاسی گزارش خبر واحد تاریخی شکل می‌گیرد و ما را از فرامقام بیان آن به مقام استدلال می‌رساند، استدلال سطح دوم نام می‌گیرد.

۱. نظریه اجتهاد فاخراً درصدد توجیه رفتارهای متغایر صحابه است. به گونه‌ای که سعی می‌کند از همه صحابه و رفتارشان دفاع کند. حتی اگر این رفتارها با هم متناقض باشند و قابل جمع نباشند. این در حالی است که اجتهاد، شروطی دارد که یکی از آنها، عدم مخالفت با نص معصوم است. تعبیر اجتهاد فاخراً برای اولین بار به وسیله خلیفه اول نسبت به خالد بن ولید به کار رفته است که مرتکب قتل مالک بن نویره و آمیزش با همسرش شده بود (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۱۴۱۰).

۲. مبلغی، روش شناسی اجتهاد قم و نجف.

هر کدام از دو فضای صدوری و انعکاسی، قواعد متنی خاص خود را دارند. فضای صدوری، منحصر به تحلیل‌های سندی نمی‌شود. از این رو مباحثی چون ظهور، عام و مطلق، مجاز و استعاره، خانواده حدیث، فهم فضای متن و روش تحلیل محتوا ناظر به فضای صدوری و سطح اول استدلال هستند. توسعه دلالت‌های کلام از ویژگی‌های فضای انعکاسی است. از آن جا که شکل‌گیری تفسیر و دانش‌های زبانی به دلیل محدودیت زبان است در فضای انعکاسی، با محدودیت کمتری از این جهت روبه‌رو هستیم.

در میان مطلق فضای انعکاسی می‌توان فضاها را شناخته شده‌ای را تبیین کرد که بررسی انعکاس در آن، نتایج تاریخی سودمندی را به دنبال خواهد داشت. تقریر معصوم به عنوان بخشی از اصطلاح حدیث، نوعی از این فضای انعکاسی است. خاورشناسان، قرآن را از جهت انعکاس دادن فضای محیط نزول، بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند.^۱ نوع انعکاس متن در میان مخاطبان غیر مسلمان اهمیت بسزایی دارد.

برای مثال، تحلیل دوره نخست عباسیان به عنوان دوره‌ای بسیار مهم در رشد مجادلات دینی مسیحیان و مسلمانان از جهت نوع دفاعیه‌ها و ردیه‌ها و نوع انعکاس متن قرآن در این مجادلات اهمیت فراوان دارد.^۲ یا این که تفسیر مفهوم تحریف کتاب مقدس بر اساس نوع انعکاس این کتاب در قرآن کریم، ره‌آوردهای جدید و متفاوتی از دیدگاه‌های

۱. از این رو، برخی اصطلاح کتاب مقدس تفسیر شده (Interpreted Bible) را به کار می‌برند (احمدی، روش شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث، مقدمه پرفسور آنجلیکا نیوبرت).

۲. نخستین متکلم مسیحی که به این مجادلات دامن زد، یوحنا دمشقی (د. ۷۴۹م.) بود. از او به عنوان بانی سنت مطالعات اسلامی در غرب یاد می‌شود. نخستین متکلم مسلمان هم که به رد ادعاهای او در دفاع از آموزه تثلیث برآمد، متکلم شیعی، ابو عیسی وراق (د. ۸۶۱م.) با رساله رد علی تثلیث فرق من النصارى بود که از اوایل قرن سوم به جای مانده است (خلج اسعدی، «یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات کلامی میان اسلام و مسیحیت»، مقالات و بررسی‌ها، زمستان ۷۵).

رایج به دنبال دارد. توجه به روایات از جهت انعکاسی از فهم آیات قرآن، قابل توجه است. قرآنیان^۱ از جهت بی‌توجهی به این انعکاس، قابل نقد هستند.

هم‌چنین، انعکاس متن در جریان رقیب، قابل توجه است. به عنوان نمونه، برخی، احادیث اهل سنت را قرینه‌ای منفصل برای فهم آرای فقه شیعه و فقه شیعه را حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت دانسته‌اند^۲ یا این که مخالفت عامه در مقام تعارض دو روایت به عنوان مرجح جهتی مطرح شده است.^۳ توجه به مصلحت و مفسده یک عمل در جامعه برای بیان حکم فقهی آن یا توجه به کارکردهای کنونی یک عمل در مقایسه با گذشته، از معیارهایی است که مبتنی بر اعتبار نهادن به فضای انعکاسی پدید آمده است.^۴

بخشی از مقبولیت شهرت و اجماع به دلیل ماهیت انعکاسی آن از فهم پیشینیان است. به طوری که بی‌سابقه بودن برداشت با وجود مقتضی، نقطه‌ای منفی در آن برداشت به شمار می‌رود. البته اگر این انعکاس، مبتنی بر یک گزارش خاص باشد، مانند ساختن یک نظریه

۱. مکتبی که در آن، قرآن به عنوان اصلی‌ترین کتاب یا تنها کتاب در زمینه عقاید و اعمال دینی مورد قبول است و احادیث مخالف قرآن یا حتی همه احادیث مردود است.

۲. به عنوان نمونه درباره آیت الله بروجردی (ره) گفته شده است که ایشان برای فهم درست روایات فقهی، شناخت فتاوای عامه را در آن زمان لازم می‌دانستند و مراجعه به فتاوای اهل سنت را از مقدمات فقه می‌شمردند و به عقیده ایشان، قدمای ما مسائل خلاف را از حفظ داشتند (احمدی، مجتبی و دیگران، چشم و چراغ مرجعیت، ص ۸۴-۸۵) یا این که گفته شده است که آیت الله بروجردی آشنایی با فقه اهل سنت و احادیث آنان را لازم می‌دانستند. در درس، آرای علمای اهل سنت را نیز نقل و نقد می‌نمودند. ایشان معتقد بودند، فقه ما و احادیث فقهی ما، به طور تقریبی مثل حاشیه‌ای است بر فقه و فتاوای اهل سنت؛ زیرا فقه آنان، فقه حاکم بر جامعه و در محیط صدر اسلام رایج بود. آرای فقهی آنان در ذهن شاگردان امام شیعه مطرح بود. سؤال‌های اصحاب ائمه علیهم‌السلام از چنین زمینه‌ای پیدا شده بود. این که ایشان فقه و احادیث اهل سنت را قرینه منفصل برای فهم آرای فقهی شیعه می‌دانستند. (مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۹۴۲).

۳. انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۸۰۴.

۴. به عنوان نمونه، شیخ انصاری در موضوع الاکتساب بالاعیان النجسة می‌نویسد: ان المنع من بیع النجس منوط بحرمه الانتفاع فینتفی بانفتائها (شیخ انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۵۷).

با گزارشی خاص یا اجماع مدرکی^۱، انعکاس در سطح مسأله‌گی قابل تفسیر است. هم‌چنین، انعکاس متن در شرح عالمان پسین که روش غالب در سبک علم و آموزش در جهان اسلام است، قابل ملاحظه است.

بخش مهمی از منبع معرفت بودن تاریخ، متأثر از همین فضای انعکاسی است. با توجه به فضای انعکاسی می‌توان بین دو نظریه غالب و متعارض نمای محوریت قصد مؤلف و محوریت مفسر متن^۲ در فهم معنای متن، این‌گونه جمع کرد که مراد از مفسر متن، مخاطب بالفعل نیست. نتیجه آن که نمی‌توان از انعکاس متن چشم پوشید و حتی می‌توان ادعا کرد، تحلیل انعکاسی متن را باید یکی از عوامل دخیل در فهم متن در کنار عوامل دیگر؛ یعنی قصد مؤلف، خود متن، زمینه متن و مفسر متن در نظر گرفت.

تمرکز بر فضای انعکاسی و فرامقام بیان خبر واحد در سطح دوم استدلال، مفاهیم و اصطلاحات جدیدی چون تواتر و در مقابل آن اصطلاح مسأله‌گی را ایجاد می‌کند. استدلال در سطح مسأله‌گی و سطح تواتر، اقسام استدلال‌های سطح دوم و مربوط به فضای انعکاسی است. از سوی دیگر، فضای انعکاسی در دو زمان صدور خبر و نقل آن، قابل تحلیل است و از این‌رو، فضای انعکاسی به دو فضای انعکاسی صدور و فضای انعکاسی نقلی، قابل تقسیم است.

مراد از فضای انعکاسی صدور، فضایی است که صدور خبر واحد در آن انعکاس می‌یابد. فضای انعکاسی صدور، بستر شکل‌گیری فرامقام بیان گزارش از جهت صدور است. با این توجه فضای انعکاسی صدور، چیزی غیر از اسباب نزول و اسباب صدور است؛ چرا

۱. اجماع مدرکی، اتفاق علما در مسئله‌ای است که در مورد آن، دلیل یا اصلی وجود دارد و علم یا احتمال آن هست که اتفاق‌کنندگان به آن دلیل یا اصل به‌عنوان مدرک نظر خود استناد نموده باشند. این اجماع به تنهایی فاقد اعتبار و ارزش است؛ زیرا حجیت آن بستگی به اعتبار مدرک آن دارد (سبحانی، الموجز، ج ۱، ص ۱۷۱).

۲. واعظی، نظریه تفسیر متن، ص ۲۳۰-۲۵۱.

که همه این‌ها از سنخ فضای صدوری هستند. پس به این ترتیب، هر یک از مسأله‌گی و تواتر می‌توانند جداگانه در فضای صدوری و نقلی تحلیل شوند و به‌طور کلی با چهار حالت مسأله‌گی در فضای انعکاسی صدوری (مسأله‌گی صدوری)، مسأله‌گی در فضای انعکاسی نقلی (مسأله‌گی در نقل)، تواتر در فضای انعکاسی صدوری (تواتر انعکاسی صدوری) و تواتر در فضای انعکاسی نقلی (تواتر انعکاسی نقلی) روبه‌رو هستیم.

۳. تعریف و تبیین مسأله‌گی

یکی از اصول مهم در حوزه استدلال‌های سطح دوم، اصطلاح مسأله‌گی است. مسأله‌گی، یکی از دو سطحی است که فضای انعکاسی شامل آنها می‌گردد. مسأله‌گی مانند تواتر از اصطلاحات مربوط به فضای انعکاسی و متأثر از انعکاس مقام بیان گزارش در فرامقام بیان آن است. نگاه از زاویه مسأله‌گی به گزارش‌های تاریخی، ره‌آوردهای تاریخی متفاوتی به‌همراه خواهد داشت. تعریف مسأله‌گی و عوامل مؤثر بر مسأله‌گی از عناوین قابل بحث در عنوان مسأله‌گی است.

یک جمله با توجه به این‌که تأکید^۱ گوینده بر کدام یک از اجزای آن است، معانی متفاوت و گاه متباینی را به دنبال خواهد داشت. در واقع، یک گزارش با وجود این‌که از مجموعه مرتبطی از کلمات با هدف القای مضمونی خاص بیان شده است، اما نوع تأکیدی که گوینده گزارش روی یکی از اجزای جمله دارد، مقام بیان گزارش را به‌سمت آن پیش می‌برد. این نقطه را می‌توان نقطه کانونی یا مرکز ثقل یک گزارش دانست که گزارش بدون شناخت آن، کاربرد و خاصیتی ندارد.^۲

1. Stress.

۲. تصور ارتباط یکسان اجزای کلام با یکدیگر و فاقد یک نقطه کانونی یا مرکز ثقل، آسیبی است که در نمونه‌هایی از تفسیر گزارش‌های دینی که مفسر فقط به دنبال ارائه برداشت‌های متکثر تربیتی و اخلاقی از یک گزارش است، مشاهده می‌گردد.

این نقطه کانونی که در استدلال‌های سطح اول باید مورد توجه باشد، امری محسوس و در حوزه نظارت و توجه گوینده کلام است، اما در سطح دوم استدلال می‌توان نقاط کانونی نامحسوسی را به دست آورد که از حوزه توجه متکلم خارج هستند اما در فضای انعکاسی، قابل دسترس هستند. این نقاط کانونی، محور شکل‌گیری فرامقام بیان یک گزارش است. مسأله‌گی به معنای میزان عدم نفوذ و حل نشدگی مقام بیان در فرامقام بیان است. هرچه قدر این حل نشدگی قوی‌تر باشد، مسأله‌گی قوی‌تر خواهد بود.^۱ در واقع، این حل نشدگی است که امکان نقل یک گزارش را فراهم می‌کند. اصطلاح نابهنجاری^۲ در علوم اجتماعی (ناظر به رفتار یا خصوصیتی غیرفراگیر) یا هرگونه واگرایی از حد معمول را می‌توان با حذف بار منفی معنایی به مسأله‌گی^۳ مورد بحث در تاریخ تشبیه کرد. در نمودارهای ریاضی از این نقاط به نقاط بحرانی^۴ تعبیر می‌شود که گویای ناپیوستگی تابع در این نقاط هستند.

تعریف دقیق تاریخ، چیزی نیست جز انعکاس مسائل و رخدادهایی که امکان نقل پیدا کرده باشند. ملاک گزارش یک واقعه، مسأله بودن است. گزارش‌هایی در منابع تاریخی انعکاس پیدا می‌کنند که به حد مسأله‌گی رسیده باشند. گزارش‌های تاریخی، انعکاسی از مسائل جامعه هستند؛ چرا که آنچه مسأله است در تاریخ ثبت می‌شود. بر همین اساس در دفتر خاطرات به مواردی مانند راه رفتن و غذا خوردن اشاره نمی‌شود، مگر آن که تبدیل به مسأله شده باشد. برای مثال، ممکن است خوردن غذا در یک رستوران خاص، موجب مسأله شدن غذا خوردن شود.

۱. در پی جویی از واژگان هم‌طراز مسأله‌گی می‌توان به تبادر اشاره کرد. آنچه در برخورد اول با یک مفهوم یا واژه به ذهن می‌رسد سطح مسأله‌گی آن مفهوم یا واژه است. تبادر در واقع، انسباق معنای لفظ در سطح اول و مسأله‌گی، نوعی انسباق در سطح دوم است.

2. Abnormality.

3. Irregularity or Deviation.

4. Critical Points.

بر همین اساس، موضوع گزارشی جعلی از این جهت که حکایت از مسأله‌گی آن موضوع دارد، قابل اهمیت است. اصل مسأله بودن یا نبودن یا تغییر سطح مسأله‌گی در ادوار مختلف^۱ و تفاوت نوع مسأله‌گی در دو فضای متفاوت، می‌تواند مورد مطالعه و تحقیق واقع شود. مشابهت محتوایی دو متن در دو دوره مختلف، دلیل ایجاد همسانی نیست باید دید چه مسأله‌ای سبب طرح آن شده است. از این رو ادعای این که مباحث تاریخ حدیث یا تاریخ قرآن، مباحث نوپدید نیستند و سابقه آنها به قرون متأخر بر می‌گردد، قابل تأمل است.

نمونه‌های مسأله‌گی در فضاهای اجتماعی پیرامونی، قابل درک است. به عنوان نمونه، برگزاری همایشی با موضوع خاص در اصل می‌تواند نشانه‌ای از آن باشد که آن موضوع، اهمیت لازم خود را در جامعه باز نیافته است. به گونه‌ای که برگزاری همایش، ابزاری برای اهمیت بخشی به آن موضوع شده است. یا این که یک مجموعه اصرار دارد تا عنوان وزارت متبوع خود را به عنوان اعتبار، پیش از نام خود درج کند، حکایت از مسأله‌گی این اعتبار در مورد این مجموعه دارد.

هم‌چنین، این که در ایام عاشورا کمتر با چنین عبارتی روبه‌رو می‌شویم که سالگرد شهادت امام حسین علیه السلام را تسلیت می‌گوییم، حکایت از آن دارد که در مورد این امام علیه السلام

۱. مسئله‌شناسی تاریخی، یکی از مقدمات ورود به عرصه آینده پژوهی است. در نمونه‌ای ساده در دوره‌ای، قبولی کنکور در کشور ایران، مسئله نسل جوان بود. این مسئله در زمان حاضر به اشتغال و ازدواج تغییر کرده است و البته معلوم نیست در دهه‌های بعد، همین موارد به عنوان مسئله باقی بمانند. درباره تغییر سطح مسأله‌گی در مورد قرآن کریم در دوره‌ای سخن از اتهام سحر و جادو، در دوره‌ای سخن از کفایت آن از سنت، در دوره‌ای سخن از محنت خلق قرآن، در دوره‌ای سخن از ادعای تحریف، در دوره‌ای سخن از تطابق آن با علوم روز و در دوره حاضر سخن از وابستگی یا عدم وابستگی آن به فرهنگ عصر نزول، نمونه مسأله‌گی‌های متعددی است که بروز پیدا کرده‌اند.

مسأله‌گی از این سطح عبور کرده است. این که یک ساکن بومی شهر تاریخی، کمتر از یک توریست با مناظر تاریخی این شهر، عکس دارد حکایت از عدم مسأله‌گی این مناظر تاریخی برای او است. دانش مطالعات اتمی و هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران، مسأله دهه نود است که پیدایش آن، رنگ سیاسی نیز پیدا می‌کند. هم‌چنین در مباحث تربیتی از اصل تغافل یاد می‌شود. این اصل حالت پوشانندگی مسأله‌گی را دارد. در نمونه‌ای دیگر و درباره حجیت باید گفت که این اصطلاح در سطح دوم خود، تنزل یافته علم است و حکایت از مسأله بودن اعتبار موضوع می‌کند.

باید توجه داشت که مسأله بودن به مفهوم مهم بودن نیست. در شناخت مسأله، نباید دچار مغالطه تلازم مسأله بودن و مهم بودن شد. ضربان قلب مهم است، اما برای کسی مسأله است که دچار مشکل قلبی شده باشد. رابطه بین مسأله بودن و مهم بودن، رابطه عموم و خصوص من وجه است. دلایل عقلی تاریخی، بیشتر دچار این مغالطه می‌شوند. استناد به دلیل عقلی در اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ به دلیل اهمیت این موضوع، مبتنی بر تلازم مهم بودن و مسأله بودن جمع است. این در حالی است که مسأله بودن جمع باید اثبات شود. مسأله بودن با مهم بودن، متفاوت است. به‌عنوان نمونه امروزه ضبط سخنان شخصیت‌های سیاسی، مهم است اما مسأله نیست.

توجه به مسأله‌گی موجود در روایت می‌تواند در تحلیل شرایط اجتماعی صدور روایت مؤثر باشد. برای مثال، هر یک از موضوعات فقهی مورد اختلاف شیعه و اهل سنت از این جهت اهمیت یافته‌اند که در دوره‌ای خاص، مسأله شده‌اند. تفسیر به نوپدید بودن موضوع و یا حتی حکم - به غلط - متبادرترین تحلیلی است که به آن پرداخته می‌شود. این در حالی است که تفسیر به مسأله‌گی با وجود تحقق موضوع در گذشته، نباید از نظر دور ماند. هم‌چنین در مورد روایات شیعی کیفیت شستن دست در وضو یا سجده بر خاک یا جهر به بسم الله، این تحقق حکم، قابل مفهوم‌گیری و استصحاب قهقرایی عدم حکم در گذشته

نیست.^۱ همان‌طور که در یک فضای ایستا، اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند در یک سیر تاریخی، مسأله‌گی، نفی ما قبل نمی‌کند. این توجه شاید بخشی از تبیین این قاعده باشد که فقه شیعه، حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت است.

هم‌چنین، توجه به مسأله‌گی در حوزه زیست اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. خیلی وقت‌ها افراد برای نهمان کردن موضوع اصلی، نزاع و مسأله‌گی خاصی را نشان می‌دهند یا در تبلیغات یک کالا، آن را در رقابت با دیگری مطرح می‌کنند؛ چون ناخواسته تبادل آن است که نزاع بر سر چیزی است که مهم است. از سویی دیگر، برخی در پیش‌برد امور خود تلاش دارند تا با مخفی نگاه‌داشتن مسأله‌گی در یک موضوع خاص از تسری آن به مخاطب جلوگیری کنند.

حکایت می‌شود که یک قاچاقچی، سال‌های متمادی، هر بار مقداری شن را با یک دوچرخه از مرز عبور می‌داد. مأمور گمرک با این که می‌دانست او یک قاچاقچی است، اما هر چه به شن‌ها دقت می‌کرد، نمی‌توانست دلیلی برای قاچاق بودن شن به دست آورد. از این‌رو هر بار به وی اجازه عبور می‌داد. این واقعه گذشت تا این که پس از سال‌ها، مأمور باز نشست شد و حقیقت مسأله را از قاچاقچی جویا گردید و او پاسخ داد که آنچه من قاچاق می‌کردم، دوچرخه بود.

۱. برای مثال، روایت *لَا يُسْجَدُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ أَوْ مَا أُتْبِتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْفُطْنُ وَ الْكُتَّانَ* (شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۴۴) در زمان و از زبان امام صادق علیه السلام و عدم وجود چنین تبیینی در میان روایات شیعه و سنی از عصر نبوی در کنار روایاتی چون *جعلت لی الارض مسجدا و طهورا* (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰) فقط می‌تواند به مفهوم مسئله نبودن شرایط محل سجده در عصر نبوی تفسیر شود. بنابراین، مفهوم‌گیری ناظر به تکامل شریعت از این مقایسه، فاقد وجهت و مبتنی بر نوعی استصحاب قهقرایی است.

۴. تواتر انعکاسی

خبر متواتر^۱ در مقابل خبر واحد^۲، یکی از اصطلاحات خاص فرآیند نقل حدیث و به عبارت دیگر، تاریخ‌نگاری اسلامی است. تواتر در اصطلاح، گویای بسیار گزارش شدن خبری است که از طریق آن اطمینان به آن خبر حاصل می‌شود.^۳ متواتر را به دو گونه لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند. در تواتر لفظی، گزارش‌گر مضمونی را در قالب یک لفظ گزارش می‌دهد، اما در تواتر معنوی، یک مضمون در قالب تعابیر مشابه و با الفاظ مختلف بیان می‌شود.^۴

نمونه تواتر لفظی، بخشی از گزارش واقعه غدیر است و نمونه تواتر معنوی گزارش‌های فراوان از شجاعت امام علی علیه السلام است، اما مسأله به همین جا ختم نمی‌شود؛ چرا که بسیاری از موارد وجود دارد که گزارش تاریخی، نه تواتر لفظی دارد و نه معنوی. بلکه از مجموع چند گزارش، نمی‌توان پذیرفت که همه آنها دروغ باشد. این نوع تواتر در منابع متأخر اصول فقه امامیه، به عنوان تواتر اجمالی پذیرفته شده است.

اصطلاح تواتر اجمالی به وسیله آخوند خراسانی (د. ۱۳۲۹) مطرح شده است.^۵ این اصطلاح در منابع حدیث‌شناسی اهل سنت به کار نرفته است.^۶ مراد از این تعبیر آن است که گاه مجموعه‌ای از اخبار آحاد روایت می‌شود که با در نظر گرفتن شرایط مختلف برای مراجعان، علم اجمالی ایجاد می‌کند که به طور عادی همه آنها نباید دروغ باشند. به عبارت

1. Successive Narration.

2. Single Narration.

۳. فضلی، اصول الحدیث، ص ۷۱.

۴. عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۴۰۶.

۵. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۳۴۶.

۶. برای نمونه ر.ک: قاسمی، قواعد التحدیث، ج ۱، ص ۱۵۱؛ عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۴۰۵.

دیگر، به طور قطعی، برخی از این اخبار به همان صورت صادر شده است.^۱ حجیت خبر واحد، نمونه آن است؛ چرا که از رجوع دادن امام علیه السلام به جمعی از اصحاب خود یا با سؤال شیعه از وثاقت بعضی از اصحاب ائمه، علم اجمالی حاصل می‌گردد که اگر یک مورد از این روایات هم از امام علیه السلام صادر شده باشد سبب اثبات حجیت خبر واحد است.^۲

با همه توسعه‌ای که به معنای تواتر داده شده است، به نظر می‌رسد مفهوم تواتر، هنوز نیاز به بازکاوی دارد. شکل‌گیری اصطلاح تواتر، برخاسته از رویکرد دستگاه فقهی و توجه ویژه به مقام بیان گزارش است. حال آن که یک گزارش تاریخی می‌تواند در فرامقام بیان خود از قالب خبر واحد خارج شود و قالبی جدید از تواتر را پیدا کند. در واقع، آنچه در تواتر باید مورد توجه باشد، عدم انحصار آن در یک مقام بیان یک گزارش است. تواتر لفظی، معنوی و حتی اجمالی در این بعد اشتراک دارند که ناظر به مقام بیان یک گزارش هستند. به‌طور کلی، آنچه که با عنوان تواتر و اقسام آن در دانش درایة‌الحدیث مطرح است، تنها بخشی از گستره مفهوم تواتر است که به لحاظ مصداقی، حجم قابل توجهی از روایات را در بر نمی‌گیرد. این ادعا حتی در مورد تواتر اجمالی صدق می‌کند؛ چرا که انحصار تواتر اجمالی به مقام بیان گزارش، سبب محدودیت معنای آن است.

با توجه به دو مؤلفه مقام بیان و خبر واحد در یک استدلال تاریخی می‌توان گفت که عبور از این دو و توسعه معنای تواتر می‌تواند زمینه پیدایش نوع خاصی از تواتر را فراهم می‌کند. می‌توان گونه‌ای از تواتر در فضای انعکاسی را پی‌گیری کرد که ناظر به دلالت‌های فرامقام بیانی است و حتی رویکردهای تفسیرگریز نمی‌توانند به آن بی‌توجه باشند. این تواتر، تواتر انعکاسی^۳ است که ناشی از انعکاس مقام بیان گزارش در فرامقام بیان آن و نوعی جا افتادگی متن در زمان صدور و پس از آن است.

۱. ر.ک: به آخوند خراسانی، حاشیة کتاب فرائد الاصول، ص ۷۰.

۲. مدیرشانه چی، علم الحدیث، ص ۱۷۰.

این تواتر با تواتر اجمالی از این جهت متفاوت است که در تواتر اجمالی، مقام بیان گزارش تاریخی مورد توجه است ولی در این جا فرامقام بیان مورد توجه است. در واقع، زمینه ایجاد این نوع تواتر، گزارش های مختلف نیستند، بلکه انعکاس آنها است. این تواتر می تواند مایه قوام یک استدلال تاریخی از نوع سطح دوم باشد.

تواتر انعکاسی، مانند مسألگی از اصطلاحات مربوط به فضای انعکاسی است. تواتر، نقطه مقابل مسألگی است. از این رو در فضای انعکاس، تواتر به مفهوم مسأله نبوده است. در این فضا، فرامقام بیان، شامل مواردی است که مسأله نیستند و از این جهت که مسأله نیستند، ارزش تحلیلی فراوان دارند؛ چرا که در بردارنده بی شمار گزارش صادقی هستند که حاکی از بی مسألگی و رواج است و عدم انعکاس آنها در مقام بیان به دلیل ماهیت متواتریشان است. از این رو باید بر بخشی از عبارت، تمرکز کرد که مورخ نسبت به آن، تمرکز نکرده است.

برای مثال، تعبیر له اصل درباره یک راوی، گویای وجود واقعیتی به نام اصل است که در ذهن توصیف گر، بدیهی فرض شده است. به عنوان نمونه ای دیگر، خبر تشویق کسی که مبلغ قابل توجهی پیدا کرده است ولی آن را به صاحبش برگردانده است در مقام بیان خود، مفهوم مثبتی دارد، اما به همان میزان که بر این مقام بیان تأکید شود، فرامقام بیان آن، حکایت وضعیت نابسامان جامعه است. این دلالت از نوع تواتر انعکاسی است.

در فقه، موارد متعددی از مصادیق تحلیل تواتر انعکاسی از قبیل شهرت روایی و فتوایی و اجماع منقول و محصل به صورت جدی مطرح است که حجیت یا عدم حجیت هر یک از آنها به تفصیل به وسیله فقیهان بحث شده است.^۱ با این حال از این نکته مشترک بین همه این موارد، نمی توان غفلت کرد که صرف نظر از حجیت یا عدم حجیت فقهی یک مورد خاص به اصل این گونه از دلایل در دستگاه فقهی دقت می شود.

۱. عراقی، نهاییه الافکار، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰؛ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۳۳۶.

۵. ویژگی استدلال در فضای انعکاسی

بیشتر استدلال‌های خبری، شامل استقرایی، قیاسی و تمثیلی مربوط به سطحی از استدلال هستند که در حوزه بیان گزارش تاریخی، شکل گرفته‌اند (سطح اول استدلال). هم‌چنین، بیشتر استدلال‌های رایج در حوزه علوم قرآن و حدیث در این سطح شکل گرفته‌اند. اصول پیشین ناظر به روش‌مند سازی این سطح استدلال به‌شمار می‌رود، اما این سطح استدلال، قابل ارتقا به سطحی دیگر است که از آن به سطح دوم استدلال تعبیر می‌شود. آسیب اصلی تحلیل‌های تاریخی، اکتفا به سطح اول استدلال است. این آسیب هم در رویکرد تاریخی‌نگری خاورشناسان مشهود است و هم سیطره دستگاه فقهی در حوزه‌های بومی به آن دامن زده است.

مهم‌ترین شاخص و قوام اصلی در سطح اول استدلال، توجه به مقام بیان گزارش و تحلیل خبر، فقط در همان مقام است و حال آن‌که دلالت‌های یک گزارش در غیر مقام بیان خود دارای اهمیتی تاریخی است و شاید دلالتی روشن‌تر دارد. ضمن آن‌که در مواردی بدون توجه به مقام بیان گزارش و فقط بر اساس تبادر ذهنی و ظهور ادعایی به تحلیل گزارش پرداخته می‌شود. در واقع در مواردی در همان سطح اول استدلال مغالطه‌های زیادی صورت گرفته است و بین مقام بیان ادعایی و واقعی تطابق وجود ندارد. به طور کلی قوت استدلال در سطح دوم و کارآمدی این استدلال در روایات جعلی از مزیت‌های عمده استدلال‌های سطح دوم به‌شمار می‌روند.

۵-۱. قوت استدلال

عبور از مقام بیان، یکی از ویژگی‌های مهم سطح دوم استدلال و نقطه قوت آن است. از این‌رو، استدلال‌های سطح دوم از قوت و مزیت نسبی نسبت به سطح اول برخوردار هستند. دلالت یک گزارش تاریخی در سطح دوم با این‌که امری، بس مشکل‌تر است، اما میزان دلالت آن قوی‌تر است؛ چراکه خطای راوی یا انگیزه شخصی او در آن دخالت ندارد. در این سطح، کمیت گزارش‌های تاریخی ملاک نیست و حتی یک گزارش

غیر تاریخی می‌تواند کارکرد تاریخی داشته باشد. در سطح اول استدلال، آنچه در مقام بیان گزارش قرار می‌گیرد، نقطه قوت و نشان دهنده اهمیت موضوع است، اما در سطح دوم می‌تواند سبب تردید در اصالت متن باشد. به هر میزان که تأکید گوینده بر مقام بیان شدت یابد به همان میزان از اهمیت داشتن موضوع نزد مخاطب کاسته می‌شود.

به عنوان نمونه فقهی در اثبات حجیت خبر واحد، بر اساس سطح اول و دوم، دو راه استدلال وجود دارد. استدلال به اخبار ارجاعیه^۱، نمونه استدلال در سطح دوم است که در آنها عمل به قول ثقه، امری مفروغ عنه است و محور گفت‌وگوی امام و راوی درباره تشخیص صغری؛ یعنی ثقه بودن یا نبودن راوی است. این در حالی است که این سطح استدلال در مقایسه با سطح اول استدلال، مانند استدلال به آیات نبأ (حجرات: ۶)، نفر (توبه: ۱۲۲)، کتمان (بقره: ۱۵۹) و سؤال (نحل: ۴۳) با اشکالات و مناقشات کمتری روبه‌رو هستند. به همین ترتیب، استناد به مقبوله عمر بن حنظله^۲ در باب ترجیح اخبار متعارض برای اثبات ولایت فقیه^۳، استدلال به حدیث عروه بارقی در باب تعریف و تمجید از یک شخص در اثبات جواز بیع فضولی^۴ را می‌توان مصادیقی فقهی از توجه به سطح دوم استدلال در فقه دانست که از قوت نسبی نسبت به سایر استدلال‌ها برخوردارند.

گاه چند گزارش تاریخی در سطح اول، قوت استدلال یک گزارش در سطح دوم را دارا نیستند. بسیاری از ناکارآمدی‌های سطح اول در این سطح جبران می‌شود. به‌عنوان نمونه با توجه به ترسیم سه مرحله قصد ماندگاری، نقل و کتابت برای وثاقت حدیث می‌توان گفت که سطح دوم دلایل هر مرحله برای اثبات مرحله قبل راه‌گشا است.

۱. سبحانی، الموجز، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷.

۳. شیخ انصاری، المکاسب، ج ۳، ص ۵۵۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۵۱؛ عبارت بارک الله فی صفقه یمینیک از سوی معصوم، نوعی تقریر است و از این جهت، تقریر به عنوان خاستگاه مهم استدلال‌های سطح دوم، جایگاه مهمی در استدلال‌های فقهی دارد.

۵-۲. کارآمدی در گزارش‌های جعلی

سطح دوم استدلال، رویارویی با یک بسته دسته نخورده است و سطح اول، مانند رویارویی با یک زخم باز و مستعد برای انواع آسیب‌ها^۱ است. عدم فرصت یافتن انعکاس در بروز در قالب گزارش، این امکان را فراهم می‌کند که سطح دوم نسبت به جعل، امری بدون اقتضا باشد و یا این که جعل به معنای سطح اولی آن، امری بی‌معنا گردد. نه جعل به این سطح راه پیدا می‌کند و نه یک گزارش جعلی از حوزه استدلال خارج می‌شود. ویژگی قابل توجه دلالت‌های متعلق به فرامقام بیان، آن است که می‌توان این دلالت‌ها را در گزارش‌های مجعول پی‌گیری کرد. شکل‌گیری دانش تاریخ‌گذاری حدیث را می‌توان مبتنی بر همین نگاه دانست.^۲ بر اساس توجه به فرامقام بیان، گزارش‌های جعلی دارای ارزش تاریخی می‌شوند؛ چرا که جعل بیشتر ناظر به مقام بیان گزارش است و از این‌رو در فرامقام گزارش جعلی می‌توان به انبوهی از گزارش‌های درست دست یافت. از آن جایی که گوینده سخن به دلالت‌های فرامقام بیانی توجه ندارد، خطای راوی و انگیزه شخصی او، دخالتی در شکل‌گیری آن ندارد. جعلی بودن یک گزارش از ارزش فرامقام بیان نمی‌کاهد و موجب خروج آن از فضای استدلال، نمی‌شود. به همین دلیل، هیچ گزارش تاریخی بی‌ارزش نیست. هیچ گزارش تاریخی را نمی‌توان به دلیل جعلی بودن، حذف کرد. در رویکرد تاریخی، حتی روایت جعلی هم با توجه به فرامقام بیان آن، ارزش تاریخی دارد.

۱. آسیب‌های گزارش‌های تاریخی از قبیل جعل و تحریف، ناظر به مقام بیان این گزارش‌ها است. با دقت بیشتر باید گفت که ماهیت تاریخ با جعل آمیخته است و پی‌جویی تاریخ بی‌تحریف، پی‌جویی از چیزی است که نمی‌توان نامش را تاریخ نهاد. مشکل استناد به خبر واحد، امکان جعل به‌ویژه در سطح مقام بیان است.

۲. خاورشناسان از این زاویه، مباحث حدیث پژوهی را بسط و توسعه داده‌اند. به عنوان نمونه ر.ک:

Motzki, Harald, *Methods of Dating Early Legal Traditions*, Islamic Law and Society 19 (2012)

یک جاعل هیچ‌گاه نمی‌تواند در مورد پیش‌فرض‌هایش دروغ بگوید. اگر دروغ و جعل در سطح اول (مقام بیان) ممکن است، اما در سطح دوم (فرا مقام بیان) ممکن نیست. به همین دلیل می‌گویند که می‌توان برای یک بار به همه دروغ گفت و می‌شود برای همیشه به یک نفر دروغ گفت، اما نمی‌شود برای همیشه به همه دروغ گفت. در واقع، مبنای شکل‌گیری فرامقام بیان، جعلی نبودن گزارش نیست. این مسأله به نوعی نقطه قوت استدلال سطح دوم محسوب می‌شود.

۶. نتیجه

مهم‌ترین نتیجه این مقاله، لزوم توجه به فضای انعکاسی در تحلیل یک گزارش تاریخی و توجه به مسأله‌گی و تواتر انعکاسی است. فضای انعکاسی در دو زمان صدور خبر و نقل آن، قابل تحلیل است و از این‌رو، فضای انعکاسی به دو فضای انعکاسی صدور و فضای انعکاسی نقلی، قابل تقسیم است. مراد از فضای انعکاسی صدور، فضایی است که صدور خبر واحد در آن انعکاس می‌یابد. فضای انعکاسی صدور، بستر شکل‌گیری فرامقام بیان گزارش از جهت صدور است. با این توجه فضای انعکاسی صدور، چیزی غیر از اسباب نزول و اسباب صدور است؛ چرا که همه این‌ها از سنخ فضای صدور هستند.

تحلیل انعکاسی گزارش تاریخی صرف‌نظر از جعلی بودن یا نبودن آن، راه‌آورد‌های قابل توجهی به دنبال دارد. دخالت ندادن مسأله‌گی و تواتر در تحلیل گزارش‌های وقایع تاریخ اسلام سبب شده است نتایج ناصوابی در مورد بسیاری از مسائل حوزه الهیات تاریخی اسلامی گرفته شود که در این آسیب، هم پژوهش‌های بومی و هم مطالعات خاورشناسان تا حدودی هم‌داستان هستند. با تأکید بر اهمیت فضای انعکاسی در تحلیل گزارش تاریخی باید گفت که گزارش صادق و کاذب از این جهت که هر دو حکایت از مسأله بودن موضوع گزارش دارند، مشترک هستند.

منابع

۱. آخوندخراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
۲. احمدی، مجتبی و دیگران، چشم و چراغ مرجعیت، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸.
۳. احمدی، محمد حسن، روش شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
۴. انصاری (شیخ)، مرتضی، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۵. _____، کتاب المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۶. ربیین، اندرو، رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن، به کوشش مهرداد عباسی، حکمت، ۱۳۹۲.
۷. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، قم: مکتبة التوحید، ۱۴۲۰ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ق.
۱۰. عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق: بی نا، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۱۱. عراقی، آقاضیاءالدین، نهاییه الافکار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۲. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: دانشکده اصول الدین، ۱۳۷۸.
۱۳. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، بیروت: بی نا، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
۱۴. قاسمی، جمال الدین، قواعد التحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۱۶. لجنه الفقه المعاصر، الفائق فی الاصول، قم: مرکزمدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸.
۱۷. مدیر شانه چپی، کاظم، علم الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۸. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۸.
۱۹. موتسکی، هارالد، حدیث اسلامی: خاستگاه و سیر تطور، ترجمه م. کریمی‌نیا، قم: دانشکده حدیث، ۱۳۸۹.
۲۰. واعظی، احمد، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.